



۱

عین الصحيح للترجمة:

«مَنْ حَاوَلَ فِي إِنْجَازِ عَمَلِهِ مُشْتَقًا وَ مَا شَعَرَ بِالتَّعَبِ تُسَهِّلَ كُلُّ الْأُمُورِ لَهُ وَلَوْ كَانَتْ صَعِبَةً، وَ لَا يُضَعِّفُ عَزْمُهُ أَبَدًا!»:

- ۱ هرکس که مشتاقانه کاری انجام دهد و سختی را حس نکند، همه کارهایش حتی اگر سخت باشد، آسان خواهد شد و هرگز اراده‌اش ضعیف نمی‌شود!
- ۲ آنکه با اشتیاق در انجام کار تلاش کرد و رنج آن را احساس نکرد همه کارهایش آسان می‌گردد هر چند سخت باشد و ابداً اراده‌اش را ضعیف نمی‌گرداند!
- ۳ هر آن‌کس که تلاش کند و در انجام کارش مشتاق باشد، همه کارهایش، گرچه سخت، آسان شده احساس سختی نمی‌کند، و هرگز اراده او ضعیف نخواهد بود!
- ۴ کسی که در انجام کار خود با اشتیاق تلاش کند و احساس رنج نکند، همه کارها برای او آسان می‌شود اگرچه سخت باشد، و هیچگاه اراده‌اش ضعیف نمی‌شود!

سراسری-انسانی-تیرماه ۱۴۰۳

۲

عین ما لیس فيه «الحال»:

- ۱ إِنَّ الْفَأْرَ يَسْكُنُ دَاخِلَ الْأَرْضِ وَ عَدُوهُ الْقَطَّةُ تَعِيشُ فَوْقَ الْأَرْضِ!
- ۲ التَّلْمِيزُ أُعْطِيَ صَدِيقَهُ الْكِتَابَ وَ حَاجَتُهُ إِلَيْهِ أَكْثَرَ مِنْ صَدِيقِهِ!
- ۳ إِذَا اخْتَلَطَ التَّرَابُ بِالْمَاءِ وَ أَصْبَحَ طِينًا يُسْتَعْمَدُ فِي الْبِنَاءِ!
- ۴ هَلْ رَأَيْتَ حَتَّى الْآنَ ذَلِكَ الْمَتَشَائِمِ وَ هُوَ يَبْتَئِسُ!

سراسری-انسانی-۱۴۰۲ تیرماه

۳

عین الترجمة الصحيحة:

«إنْهَادَ الْمُخْتَبَرِ وَ مَوْتَ أَخِيكَ الْأَصْغَرَ لَمْ يُضَعِّفْ عَزْمَكَ، بَلْ سَبَّبَ أَنْ تَكْثُرَ نَشَاطَاتُكَ، فَاخْتَرَعَ الدِّينَامِيْتُ»:

- ۱ آزمایشگاه ویران شد و مرگ برادر کوچکت از اراده‌ات نکاست، بلکه فعالیتت را بیشتر کرد، و دینامیت کشف شد!
- ۲ انهدام آزمایشگاه و فوت برادر کوچکتر تو عزمت را تضعیف نکرد، بلکه سبب شد انرژیهای تو زیاد شود، تا دینامیت کشف گردد!
- ۳ ویرانی آزمایشگاه و مرگ برادر کوچکتر اراده تو را ضعیف نکرد، بلکه سبب شد که فعالیت‌های تو بیشتر شود، پس دینامیت اختراع شد!
- ۴ آزمایشگاه منهدم شد و برادر کوچکترت درگذشت، و نه تنها از عزم تو نکاست بلکه سبب بیشتر شدن انرژیهای تو شده، دینامیت اختراع گردید!

سراسری-انسانی-رفع شبهه آذرماه ۱۴۰۱



«كان ذلك الرجلُ أجود النَّاسِ فيعجبُهم، و ما أتاه أحدٌ في حاجة فيردّه فارغ اليَد خائباً!» عيّن الترجمة الصحيحة:

- ۱ آن مرد بخشنده‌ترین مردم بود و مردم از او خوششان می‌آمد، و کسی نزد او با خواسته‌ای نیامد که او را دست خالی و ناامید برگردانده باشد!
- ۲ آن مرد بخشنده‌ترین مردم بود که او را به شگفتی وامی‌داشتند، و هیچکس نزدش با تقاضایی نیامده که دست خالی و ناامید برگردانده شود!
- ۳ بخشنده‌ترین مردم آن مردی است که موردپسندشان بود، و هیچکس با خواسته‌ای نزدش نیامد که او را دست خالی ناامیدانه برگردانده باشد!
- ۴ بخشنده‌ترین مردم آن مردی بود که آنان را به شگفتی وامی‌داشت، و کسی با تقاضایی نزدش نیامده بود که ناامیدانه دست خالی برگردانده شود!

سراسری-انسانی-رفع شبهه آذرماه ۱۴۰۱

عیّن الصحيح لجواب الترجمة:

«إنّ تلميذ الصفّ الأوّل يذهب إلى المدرسة بدايةً السنة الدراسية مشتاقاً و هو يحمل محفظته الفارغة على كتفه!»:

- ۱ با شروع سال تحصیلی دانش‌آموز کلاس اولی با اشتیاق کیفش را که خالی است بر کتفش گذاشته به مدرسه می‌رود!
- ۲ دانش‌آموز کلاس اوّل در آغاز سال تحصیلی با شوق به مدرسه می‌رود در حالیکه کیف خالی‌اش را بر روی دوشش حمل می‌کند!
- ۳ در ابتدای سال تحصیلی دانش‌آموزی که کلاس اول است مشتاقانه به مدرسه می‌رود و او کیف خالی‌اش را بر روی دوشش حمل می‌کند!
- ۴ دانش‌آموز کلاس اوّلی در ابتدای سال تحصیلی در حالیکه مشتاقانه کیفش را که خالی است بر روی کتفش حمل می‌کند به مدرسه می‌رود!

سراسری-انسانی-دی ۱۴۰۱

عیّن الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي:

«إذا طلبت أن تنجح في عملك فقم به وحيداً و لا تتوكّل على الناس»:

- ۱ وحيداً: اسم - مفرد مذکر - نكرة - معرب / حال (= «قيد حالت» في الفارسية) و فعله «قم»
- ۲ تنجح: مضارع (للمخاطب) - مجرّد ثلاثي - لازم - معلوم / فعل، و التّغيير في آخره بسبب حرف «أن»
- ۳ تتوكّل: فعل مضارع - مزيد ثلاثي (من باب تفعيل) - معلوم / فعل، و التّغيير في آخره بسبب حرف «لا» الناهية
- ۴ طلبت: فعل ماضٍ (للمفرد المذكر المخاطب) - مجرّد ثلاثي - متعدّد - معلوم / فعل شرط ، و «إذا» من أدوات الشرط

سراسری-انسانی-تیرماه ۱۴۰۱

عیّن الخطأ في الإعراب و التحليل الصرفي:

«إرحموا عالماً ضاع بين جهال»:

- ۱ ضاع: فعل ماضٍ (للمفرد الغائب) - مجرّد ثلاثي - لازم / الجملة فعلية، و موضحة للإسم النكرة «عالماً»
- ۲ ارحموا: فعل أمر (للمجمع المخاطب) - مجرّد ثلاثي - متعدّد / فعل و فاعل، و مفعوله «عالماً» و الجملة فعلية
- ۳ جهال: اسم - جمع مكسر أو تكسير (مفردة: جاهل، مذكر) - اسم فاعل - نكرة - معرب / مضاف إليه و مجرور
- ۴ عالماً: اسم - مفرد مذكر - اسم فاعل (فعله: علم، مجرد ثلاثي) - نكرة - معرب / حال (= «قيد حالت» في الفارسية) و فعله «ارحموا»

سراسری-انسانی-تیرماه ۱۴۰۱

- ۱ ليتني أصبح دُؤوباً في اكتساب العلم!
 ۲ لا يتقدّم في الحياة إلّا من يُحاول دُؤوباً!
 ۳ من كان أميراً يَجِب أن يكون دُؤوباً و حليماً!
 ۴ رأيت طالباً دُؤوباً يستمرّ في أعماله لأهدافه العالية!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

- ۱ أفضل الأعمال الحلم عند الغضب و الصبر عند الطمع: برترین کارها بردباری هنگام خشم است و صبر هنگام طمع!
 ۲ لا تجمع من المال و أنت لا تدري لمن تجمع: از مال و ثروت جمع مکن در حالی که تو نمی دانی برای چه کسی جمع می کنی!
 ۳ إذا سَلَمَت من الأسد المُفترس فلا تطمع في صيده: هرگاه از شیر درنده در سلامت ماندی به شکار کردنش طمع مکن!
 ۴ إنّ المجاهدين باعوا أرواحهم و اشتروا الجنة: جهادکنندگان جانهای خود را فروختند تا به بهشت برسند!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

- «كثير من إختراعات الإنسان الحديثة ليست في مجال الإعمار و البناء، لأنّه لم يستفد من جانبها النّافع»:
 ۱ بسیاری از اختراعات انسان در زمینه ی آباد کردن و ساختن، جدید نیست زیرا او از جنبه ی مفید آن استفاده نمی کند!
 ۲ تعداد زیادی از اختراعات انسان در بخش آبادسازی و ساختمان به کار نرفته است، زیرا او از جنبه ی سودمند آن بهره نمی برد!
 ۳ بسیاری از اختراعات جدید انسان در زمینه ی آبادانی و ساختن نیست، زیرا او از قسمت مفید آن ها استفاده نکرده است!
 ۴ تعداد زیادی از اختراعات جدید انسان در زمره ی آبادانی و ساختمان نمی باشد، به خاطر این که از بخش مفید آن بهره برداری نشده است!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

- ۱ قول کسانی که از جهل من سخن می گویند و من جهالتشان را می دانم، نباید مرا ناراحت کند!
 ۲ سخن آنان که در مورد من حرف می زنند در حالی که جاهلند و من به جهلشان آگاهم، ابداً ناراحت نمی کند!
 ۳ هیچ گاه سخن کسانی که درباره ی جهل من حرف می زنند حال آن که من جهالتشان را می دانم، ناراحت نمی کند!
 ۴ نباید گفتار کسانی که در مورد من جاهلانه سخن می گویند مرا ناراحت کند، در حالی که من آگاه به جهلشان هستم!

سراسری-انسانی-۱۴۰۰

- ۱ لا تتسامحوا و أنتم تحسبون أنّ لكم فرصةً كثيرةً،
 ۲ لأنّكم إذا تبدؤون بالعمل و هو يحتاج إلى زمانٍ،
 ۳ لا تجدون الفرصةَ كثيرةً و هي قليلةٌ و قصيرةٌ دائماً،
 ۴ فيجب أن تستفيدوا من الفرصة و لو كانت قليلةً!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«ما فهمتُ لماذا هَجَرَنِي أَحَبَّتِي و فَرَحُوا عُذَاتِي، و أنا كُنْتُ أَحِبُّهُمْ دَائِماً و أرجوهم في حياتي!» عَيْنُ التَرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- ۱) نفهمیدم چرا دوستانم از من جدا شدند و دشمنانم را شاد کردند، در حالی که من همیشه آن‌ها را دوست می‌داشتم و در زندگیم به آن‌ها امیدوار می‌بودم!
- ۲) چیزی که نفهمیدم این است که چرا دوستانم رهایم کردند و دشمنانم شاد شدند، حال آن‌که همیشه دوستشان می‌دارم و در زندگی به آن‌ها امیدوارم!
- ۳) آنچه نفهمیدم این بود که چرا دوستانم از من جدا شده دشمنانم را شاد کردند، و من دائماً آن‌ها را دوست داشته و به آن‌ها در زندگی امید دارم!
- ۴) نمی‌فهمم چطور دوستانم از من جدا شدند و دشمنانم را شاد کردند، وقتی که همیشه دوستشان داشته و در زندگیم به آن‌ها امید داشتم!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۱۴ عَيْنُ الْخَطَأِ:

- ۱) تَقَبَّلَ الْأَمْوَاجَ الْعَالِيَةَ فِي حَيَاتِكَ: در زندگی‌ات موج‌های بلند را بپذیر،
- ۲) و لو أَخَذَتْكَ إِلَى أَعْمَاقِ الْبَحْرِ أحياناً: اگر چه گاهی تو را به اعماق دریا ببرد،
- ۳) لِأَنَّ السَّمَكَ الَّذِي عَلَى سَطْحِ الْمَاءِ: زیرا ماهی‌ای که بر روی آب است،
- ۴) أَنْتَ تَرَاهُ هَادِئاً، و هو مَيِّتٌ: تو او را آرام می‌بینی ولی او دارد می‌میرد!

سراسری-انسانی-۹۹

۱۵ عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ «الْحَال»:

- ۱) لَا تَتَسَامَحُوا و أَنْتُمْ تَحْسِبُونَ أَنَّ لَكُمْ فُرْصَةً كَثِيرَةً،
- ۲) لِأَنَّكُمْ إِذَا تَبَدَّوْنَ بِالْعَمَلِ و هو يحتاج إلى زمانٍ،
- ۳) لَا تَجِدُونَ الْفُرْصَةَ كَثِيرَةً و هي قَلِيلَةٌ و قَصِيرَةٌ دَائِماً،
- ۴) فَيَجِبُ أَنْ تَسْتَفِيدُوا مِنَ الْفُرْصَةِ و لو كانت قَلِيلَةً!

سراسری-انسانی-۹۹

۱۶ عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاقَاتِ:

«رَبِّمَا تَسْتَطِيعُ أَنْ تَمْلِكَ كُلَّ مَا تُرِيدُ، و أَنْتَ ظَالِمٌ، وَلَكِنْ عِنْدَمَا يَدْعُو عَلَيْكَ مَظْلُومٌ، تَفْقِدُ كُلَّ مَا مَلَكَتَ فَقْدَاناً أَبَدِيّاً!»
 «..... بتوانی هر چه را بخواهی مالک شوی ، ولی وقتی که یک مظلوم تو را نفرین کند، همه‌ی آن‌چه را به دست آورده‌ای از دست می‌دهی!»

- ۱) شاید / با ستمکار بودن / مطمئناً
- ۲) چه بسا / در حالی که ستمکاری / تا ابد
- ۳) شاید / حال آن‌که ظالمی / تا زمانی
- ۴) چه بسا / با ستمکار بودن / مطمئناً

سراسری-انسانی-۹۹

۱۷ «إِنَّ الْفَخْرَ يَمْشِي مَرَحاً و هَذَا نَمُودَجُ تَرْبِيٍّ لِمَنْ يَتَعَلَّمُ الْأَدَبَ مِمَّنْ لَيْسَ لَهُ أَدَبٌ!» عَيْنُ الصَّحِيحِ لِلتَّرْجَمَةِ:

- ۱) فخر فروش راه رفتنی متکبرانه دارد ولی برای آن‌که ادب را از بی‌ادبان می‌آموزد نمونه‌ای تربیتی است!
- ۲) فخر فروش خودخواهانه راه می‌رود و این الگویی تربیتی است برای کسی که ادب را از کسی می‌آموزد که ادب ندارد!
- ۳) فخر فروش نوع راه رفتنش خودخواهانه است ولی برای آن‌که ادب را از کسی که ادب ندارد یاد می‌گیرد، یک نمونه‌ی تربیتی است!
- ۴) فخر فروش چون متکبران راه می‌رود و این نمونه‌ی تربیتی برای کسی است که ادب را از کسی که در او ادب نیست آموخته است!

سراسری-انسانی-۹۹

«كنت أتلو آيات من القرآن الكريم في اصطفا في المدرسة الصّباحي، و أنا في العاشرة من عمري!» عيّن الترجمة الصحيحة:

- ۱ وقتی ۱۰ سال داشتم، در صف صبحگاهیمان به تلاوت آیاتی از قرآن کریم می‌پرداختم!
- ۲ در حالی که ۱۰ ساله بودم، در صف صبحگاهی مدرسه آیاتی از قرآن کریم را تلاوت می‌کردم!
- ۳ هنگامی که ۱۰ سال داشتم، در صف صبحگاهی بعضی آیات قرآن کریم را در مدرسه می‌خواندم!
- ۴ در حینی که به ۱۰ سالگی رسیده بودم، در صف صبحگاهی مدرسه آیات قرآن کریم را قرائت می‌کردم!

سراسری-انسانی-۹۹

عیّن ما یلیس فیہ «حال»:

- ۱ هذا کلامُ لقمانَ حیثَ یقول لابنه و هو یعظه،
- ۲ إن تأکل الطّعام حیثَ تكون جائعاً، ذلک أحسن الطّعام،
- ۳ و إن تسترح بعد عمل کثیر مُتعباً سیکون هناك أحسن المکان لک،
- ۴ و إن تُصاحب النّاس و أنت تدخل قلوبهم فلک أحسن البیوت!

سراسری-انسانی-۹۹

عیّن الترجمة الصحيحة: «بَعْضُ اختراعاتِ الإنسان لیست فی مجال الإعمار و البناء، لأنّه لم یستطع أن یدرک ماذا ینفعه و ماذا یضرّه!» بعضی از اختراعات انسان

- ۱ در جهت آباد کردن و ساختن نمی‌باشد، زیرا او قادر نیست آن‌چه را سود می‌رساند و آن‌چه را زیان می‌بخشد بشناسد!
- ۲ در زمینه‌ی آبادانی و سازندگی نیست، زیرا او نتوانسته است درک کند چه چیزی به او سود می‌رساند و چه چیزی ضرر می‌رساند.
- ۳ در عرصه‌ی آبادانی و ساخت و ساز نیست، از آن‌جا که قادر به درک چیزی که برایش سودبخش است و آن‌چه زیان‌بخش است نمی‌باشد!
- ۴ در مسیر آباد شدن و سازنده بودن نمی‌باشد، از این جهت که او نتوانسته است چیزی که به او سود می‌رساند یا زیان می‌زند را بفهمد!

سراسری-انسانی-۹۹

عیّن الخطأ:

- ۱ هل عملتَ حتّى الآن عملاً یُثیر إعجاب الآخرين: آیا تاکنون کاری انجام داده‌ای که تحسین دیگران را برانگیزد،
- ۲ هناك معوّقون یعملون أعمالاً عجیبة و هم یواجهون مشاكل: معلولانی وجود دارند که با وجود روبه‌رو شدن با مشکلات کارهای عجیبی انجام داده‌اند،
- ۳ إنّ الطّفل الذی صار أعمی تظنّ أنّه لن یقدر أن یعمل عملاً: کودکی که کور شده گمان می‌کنی که نخواهد توانست کاری انجام دهد،
- ۴ ولکنّا عندنا عُمی قد حصلوا علی جوائز کبیرة! ولیکن ما نابینایانی داریم که جایزه‌های بزرگی را به دست آورده‌اند!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

- ۱) يُصبح النَّاسُ مسرورين في فصل الربيع بعد مشاهدة الطبيعة الخضراء!
- ۲) إن يصنع المهندسون البيوت محكمة لا تُهدد الحوادث أكثر المدن!
- ۳) قد نرى تداخل روابط الإنسان و البيئة و هو مضر للطبيعة!
- ۴) إن التلميذ الذي لا يطالع دروسه و هو يفهمها ليس ناجحاً!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

«هناك في عمق ظلام المحيط أسماكٌ مُضيئةٌ أشاهدها أنا متعجباً!» عین الترجمة الصحيحة:

- ۱) در عمق تاریک اقیانوس ماهی‌هایی نورانی‌اند و من آن‌را متعجبانه مشاهده می‌کنم!
- ۲) در اعماق تاریک اقیانوس ماهی‌های نورانی هستند که من با شگفتی به آن‌ها نگاه می‌کنم!
- ۳) در عمق تاریکی اقیانوس ماهی‌هایی نورانی وجود دارد که من آن‌ها را با تعجب مشاهده می‌کنم!
- ۴) در تاریکی اعماق اقیانوس ماهی‌هایی نورانی وجود دارند، من در حالی‌که متعجبم آن‌ها را می‌نگرم!

سراسری-انسانی-۹۸

عین الخطأ في ضبط حركات الكلمات:

- ۱) يَبْلُغُ الصَّادِقُ بِصَدْقِهِ مَا لَا يَبْلُغُهُ الْكَاذِبُ بِاحْتِيَالِهِ!
- ۲) لِكُلِّ إِخْتِرَاعٍ عِلْمِيٍّ وَ لِإِتْكَارٍ وَجْهٌ نَافِعٌ وَ وَجْهٌ مُضَرٌّ!
- ۳) يَتَمُّ التَّوَازُنُ فِي الطَّبِيعَةِ مِنْ خِلَالِ وُجُودِ رَوَابِطٍ مُتَدَاخِلَةٍ!
- ۴) عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَاطَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشاً سَلْمِيّاً!

سراسری-انسانی-۹۸

عین غیرالمناسب للمفهوم:

- ۱) «و من قُتل مظلوماً فقد جعلنا لوليّه سلطاناً»: خون نخسبد بعد مرگت در قصاص / تو مگو که مُردم و یابم خلاص!
- ۲) «فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره»: از مکافات عمل غافل مشو / گندم از گندم بروید جو ز جو!
- ۳) «و عباد الرحمن الذين يمشون على الأرض هوناً»: تواضع مرد را دارد گرامی / ز کبر آید بدی در نیک‌نامی!
- ۴) «إن الحسنات يذهبن السيئات»: بدی گرچه کردن توان با کسی / چو نیکی کنی بهتر آید بسی!

کنکورهای خارج از کشور-سراسری-انسانی

۱

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه‌های ۱، ۲ و ۳: در صورت سؤال، «الأمر» بدون ضمیر چسبیده است، پس باید به صورت «کارها» ترجمه شود، و نه «کارهایش»!

۲

گزینه ۳ پاسخ صحیح است.
گزینه ۳: و أصبح: جمله عاطفه و واو عطف است.
گزینه ۱: و عدوه القطة تعیش (جمله اسمیه حالیه)
گزینه ۲: و حاجته اليه اكثر (جمله اسمیه حالیه)
گزینه ۴: و هو يبتسم (جمله اسمیه حالیه)
نکته: ضمائر ه و هو که با مرجع حال مطابقه می‌تواند برای تشخیص جمله اسمیه حالیه شما را راهنمایی کند.

۳

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. إنهدام [مصدر]: ویرانی، انهدام، ویران شدن (حذف ۱ و ۴) / نشاطات: فعالیت‌ها (حذف ۱ و ۲ و ۴) / سَبَّبَ: سبب شد [فعل ماضی است نه مصدر] (حذف ۱ و ۴)
نکته: انرژی‌ها ← طاقات

۴

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. كانَ ذلك الرجل أجود الناس: آن مرد، بخشنده‌ترین مردم بود (حذف ۳ و ۴) / يَرِدُّ + «ه»: او را ... برگردانده باشد «يَرِدُّ» فعل معلوم است که مضارع التزامی معنا شده و ضمیر مفعولی «ه» به صورت «او را» ترجمه می‌شود. (حذف ۲ و ۴)

۵

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. إنَّ تلميذ الصف الأول: دانش‌آموز کلاس اول (رَدّ گزینه ۳ - ترکیب وصفی است) / يذهب الى المدرسة: به مدرسه می‌رود / بداية السنة الدراسية: در ابتدای سال تحصیلی / مشتاقاً و هو يحمل محفظته الفارغة: با شوق اشتیاق - مشتاقانه در حالیکه کیف خالی‌اش را حمل می‌کند (رَدّ گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴ - مشتاقاً: حال مفرد - و هو يحمل: جمله حالیه است و نباید با حرف ربط «که» ترجمه شود. - محفظته الفارغة: ترکیب اضافی و وصفی)

۶

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. در گزینه ۳، «من باب تفعیل» نادرست است. «تتوكل» فعل مضارع بر وزن «تفعّل» و از باب تفعّل است، نه تفعیل. تشریح برخی نکات در گزینه‌های دیگر:
گزینه ۱: «وحيداً» (تنها، به تنهایی) قید حالت است و حال محسوب می‌شود (ترجمة عبارت: هرگاه خواستی در کارت موفق شوی، به تنهایی به آن اقدام کن و بر مردم تکیه نکن!)
گزینه ۲: فعل «تنجح» وقتی همراه با حرف «أن» (از حروف ناصبه) می‌آید، ضمه آخرش به فتحه تبدیل می‌شود و ظاهرش تغییر می‌کند، معنایش هم مضارع التزامی می‌شود.
گزینه ۴: جمله داده شده دارای اسلوب شرط است؛ «إذا» ادات شرط، «طلبت» فعل شرط و «فقم به ...» جواب شرط است.

۷

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در گزینه ۴، «حال و ...» نادرست است. «عالماً» مفعول برای فعل «ارحموا» است. (ترجمة عبارت: رحم کنید به عالمی که میان نادان‌ها تباه شده است!). تشریح برخی نکات در گزینه‌های دیگر:
گزینه ۱: «ضاع» (تباه شد) فعل لازم است و بدون مفعول آمده است. همچنین جمله وصفیه‌ای است که اسم نكرة «عالماً» را توضیح داده است. (موضحة للاسم النكرة «عالماً».)
گزینه ۲: «ارحموا» (بر وزن «افعلوا») شبیه هیچ‌کدام از باب‌های ثلاثی مزید نیست، پس مجرّد محسوب می‌شود.
گزینه ۳: «جهال» (بر وزن «فعلال») جمع مکسر «جاهل» (بر وزن «فاعل») است و اسم فاعل محسوب می‌شود.

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. صورت سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، کلمه‌ی «دؤوب» نقش حال را داشته‌باشد. در گزینه‌ی ۲، «دؤوباً» حال است. (ترجمه: در زندگی پیشرفت نمی‌کند مگر کسی که با پشتکار تلاش می‌کند!) بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۱: «أصبح» از افعال ناقصه و «دؤوباً» خبر است.

گزینه‌ی ۳: «یکون» از افعال ناقصه و «دؤوباً» خبر است.

گزینه‌ی ۴: «دؤوباً» بعد از اسم نکره‌ی «طالباً» آمده است و آن‌را توصیف می‌کند، پس حال است، نه صفت.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. و إشتروا الجنة: و بهشت را خریدند.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. اختراعات الإنسان الحديثة: اختراعات جدید انسان (حذف ۱ و ۲) / لیست: نیست (حذف ۲ و ۴) / لم يستفد: [معادل ماضی منفی] استفاده نکرده است (حذف ۱ و ۲ و ۴)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. لا يحزنني: نباید مرا ناراحت کند / قول الذين: گفتار کسانی که / يتكلمون: سخن می‌گویند / عني: در مورد من / جاهلین: جاهلانه، در حالیکه جاهلند / و انا اعلم: در حالی که من آگاه / جهلهم: به جهلشان هستم. رد گزینه‌ها:

۱) از جهل من سخن می‌گویند و من جهالتشان را می‌دانم.

۲) ابداً ناراحت نمی‌کند.

۳) هیچ‌گاه، درباره جهل من، می‌دانم، ناراحت نمی‌کند.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است.

در سایر گزینه‌ها «و أنتم تحسبون - و هو يحتاج - و هي قليلة» همگی جملات حالیه یا حال جمله هستند.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. ما فهمت لماذا: نفهمیدم چرا؟ / فزحوا: شاد کردند / و أنا كنت أحبهم [جمله حالیه به همراه ساختار ماضی استمراری]: در حالی که من آن‌ها را دوست می‌داشتم (حذف ۲ و ۳ و ۴)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. و هو ميت [جمله حالیه]: در حالی که مُرده است.

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. گزینه ۴ حال ندارد (در سایر گزینه‌ها: و انتم تحسبون، و هو يحتاج، و هي قليلة جمله حالیه هستند)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ربما: چه بسا، شاید / و انت ظالم: در حالی که ستمکاری / ابدئاً: تا ابد (ردّ سایر گزینه‌ها)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. یمشی: راه می‌رود (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / مرحاً نقش حال دارد به معنی خودخواهانه (رد گزینه‌ی ۴) / يتعلم: می‌آموزد، یاد می‌گیرد (رد گزینه‌ی ۴)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. كنت اتلو: تلاوت می‌کردم (رد سایر گزینه‌ها) / و انا ...: در حالی که (جمله حالیه) (رد سایر گزینه‌ها) / فی اصطاف المدرسة الصباحی: در صف صبحگاهی مدرسه (رد گزینه‌ی ۱ و ۳)

در گزینه‌ی ۱: «و هو يعظه»، حال از نوع جمله است.

در گزینه‌ی ۳: «متعباً»، حال از نوع کلمه

در گزینه‌ی ۴: «و انت تدخل»، حال از نوع جمله است.

گزینه‌ی ۲، حال ندارد.

نیست: نیست / لم يستطع: نتوانست / نتوانسته است (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / ماذا: چه چیزی (رد گزینه‌ی ۴)

گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ترجمه‌ی صحیح: «معلولانی وجود دارند که کارهای عجیبی انجام می‌دهند، در حالی‌که با

مشکلاتی روبه‌رو هستند.» - «يعملون» فعل مضارع و جمله‌ی «وهم يواجهون» جمله‌ی حالیه است.

گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در این گزینه «یصبح» از افعال ناقصه، «الناس» اسم آن و «مسروین» خبر آن است نه حال.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه‌ی ۲: «محكمةً» حال است.

گزینه‌ی ۳: «هو مضرّ...» حال است.

گزینه‌ی ۴: «هو يفهمها...» حال است.

گزینه ۳ پاسخ صحیح است. «عمق» مفرد است (ردّ گزینه‌ی ۲) / در عمق: في عمق (ردّ گزینه‌ی ۴) / هناك: وجود دارد،

حرف «و» معادلی در صورت عربی سوال ندارد (ردّ گزینه‌ی ۱)

گزینه ۴ پاسخ صحیح است. حرکت‌گذاری فعل موردنظر به صورت «يَتَعَايَشُوا» بر وزن «يَتَفَاعَلُوا» صحیح است.

گزینه‌ی ۴ پاسخ صحیح است. عبارت عربی سؤال می‌گوید: «همانا خوبی‌ها، بدی‌ها را از بین می‌برد» ولی مفهوم شعر

روبه‌روی آن این است که «گرچه می‌شود به کسی بدی کرد ولی نیکی کردن بهتر است.» [که واضح است این دو عبارت با

یک‌دیگر قرابت معنایی ندارند.]

۱	۱	۲	۳	۴
۲	۱	۲	۳	۴
۳	۱	۲	۳	۴
۴	۱	۲	۳	۴
۵	۱	۲	۳	۴
۶	۱	۲	۳	۴
۷	۱	۲	۳	۴
۸	۱	۲	۳	۴
۹	۱	۲	۳	۴
۱۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	۱	۲	۳	۴
۱۲	۱	۲	۳	۴
۱۳	۱	۲	۳	۴
۱۴	۱	۲	۳	۴
۱۵	۱	۲	۳	۴
۱۶	۱	۲	۳	۴
۱۷	۱	۲	۳	۴
۱۸	۱	۲	۳	۴
۱۹	۱	۲	۳	۴
۲۰	۱	۲	۳	۴
۲۱	۱	۲	۳	۴
۲۲	۱	۲	۳	۴
۲۳	۱	۲	۳	۴
۲۴	۱	۲	۳	۴
۲۵	۱	۲	۳	۴

